

بررسی تبدیل «إلی جدکم» به «إلی أخیک»

در زیارت جامعه کبیره*

□ علی نصرتی^۱

چکیده

زیارت جامعه کبیره، از مهم‌ترین و معتبرترین زیارتنامه‌هایی است که هنگام زیارت هر یک از امامان معصوم علیهم‌السلام از دور یا نزدیک خوانده می‌شود. در مصادر و منابع این زیارتنامه وارد شده است که اگر برای امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام خوانده شود، باید عبارت «وإلی جدکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از زیارتنامه به «وإلی أخیک بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» تبدیل شود. این تبدیل در همه مصادر آن به جز «مزار کبیر» ابن مشهدی از علمای قرن ششم آمده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا این فقره از زیارتنامه به تبدیل نیاز دارد؟ در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیده‌ایم که عبارت «وإلی جدکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از باب تغلیب شامل حضرت علی علیه‌السلام می‌شود و به تبدیل نیاز ندارد و تبدیل یاد شده، توضیح راوی بوده که در متن زیارت افزوده شده و باعث ادراج در متن زیارتنامه گشته است و از آن جا که نقل «مزار کبیر» بدون ادراج است، بر همه نقل‌ها برتری دارد.

واژگان کلیدی: زیارت جامعه کبیره، تبدیل، «إلی جدکم»، «إلی أخیک»، تغلیب

مقدمه

تغییر و تبدیل الفاظ و عبارات ادعیه و زیارات مأثوره، گونه‌ای از تحریف است و روا نیست؛ ولی گاهی برای رعایت دستور زبان یا دوری از کذب، باید کلمه یا عبارتی از زیارتنامه، به کلمه یا عبارت دیگری که مناسب مقتضای حال زائر و مزور است تغییر کند.

چنانچه زائر، زن باشد باید الفاظ و عبارات زیارت، طبق متکلم مؤنث تغییر کند تا کلام مطابق دستور زبان عربی شود. مثلاً خانمی که دعای مأثور بعد از زیارت عاشورا (طوسی، ۱۴۱۱، ۷۸۲/۲-۷۷۷) را می‌خواند باید عبارت «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَيُّشْكُمَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى... مُنْتَظِرًا... مُفَوِّضًا... مُلْجِنًا... مُتَوَكِّلًا...» را تغییر دهد و صیغه‌های مذکر بکار رفته در آن از قبیل «زَائِرًا»، «مُتَوَسِّلًا»، «مُتَوَجِّهًا»، «مُسْتَشْفِعًا»، «مُنْتَظِرًا»، «مُفَوِّضًا»، «مُلْجِنًا»، «مُتَوَكِّلًا» و... را به مؤنث تبدیل کند تا مطابق دستور زبان عربی باشد (مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۲۹).

اگر زائر، زیارت عاشورا را در غیر روز عاشورا بخواند، باید عبارت «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» را تغییر دهد تا خلاف واقع نباشد، زیرا مشارالیه «هذا» روز موجود و حاضر است و چنانچه روز فعلی عاشورا باشد، کلام مطابق با واقع است، ولی اگر غیر روز عاشورا باشد، سخن خلاف واقع است (همان، ۱۲۳). علامه مجلسی به این تبدیل باور دارد و این گونه استدلال می‌کند: «از این که امام باقر علیه السلام خطاب به علقمه فرموده است اگر می‌توانی هر روز امام حسین علیه السلام را با این زیارتنامه زیارت کن، فهمیده می‌شود که حضرت اجازه داده‌اند عبارت «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» تغییر کند، مثلاً به جای آن بگوید «إِنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۲/۹۸). جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امام سجاد علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست. سپس زیارتی خواند (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۴۱-۳۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ۷۳۹/۲-۷۳۸) که معروف به زیارت امین الله است. امام باقر علیه السلام در ذیل آن تصریح می‌کند که این زیارت را نزد قبر امیرالمؤمنین و قبر هر امام دیگری می‌شود خواند. حال اگر کسی بخواهد این زیارتنامه را برای غیر

امیرالمؤمنین علیه السلام بخواند، قطعاً باید عبارت «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» را به جمله‌ای که مناسب حال امام زیارت شونده (مزور) است تغییر دهد تا کلام مطابق مقتضای حال مزور گردد.

ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که هرگاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور باشد، بالاترین مکان منزل را انتخاب کند و در آنجا دو رکعت نماز بخواند و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی حتماً به ما خواهد رسید (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۸۷/۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۲۸۶). شیخ طوسی همین روایت را نقل کرده (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰۳/۶)، ولی در ادامه آورده است: «وَتُسَلِّمُ عَلَى الْأَئِمَّةِ عليهم السلام مِنْ بَعِيدٍ كَمَا تُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ مِنْ قَرِيبٍ، غَيْرَ أَنَّكَ لَا يَصِحُّ أَنْ تَقُولَ أَتَيْتُكَ زَائِراً، بَلْ تَقُولُ فِي مَوْضِعِهِ قَصَدْتُ بِقَلْبِي زَائِراً...»؛ بر امامان عليهم السلام همانگونه که از نزدیک درود می‌فرستی، از دور هم درود بفرست، ولی درست نیست که بگویی: «أَتَيْتُكَ زَائِراً» بلکه به جای آن باید بگویی: «قَصَدْتُ بِقَلْبِي زَائِراً» اگرچه علامه مجلسی ذیل روایت تہذیب را، کلام شیخ طوسی می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷۰/۹۸ و نقل کافی (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۸۷/۴) و کامل زیارات (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۲۸۶) هم بر درستی ادّعی علامه گواهی می‌دهد، ولی بیانگر این است که شیخ طوسی تبدیل الفاظ و عبارات زیارتنامه را به لفظ و عبارتی که مناسب حال و مکان زائر باشد جایز می‌داند.

بنابراین، برای رعایت دستور زبان عربی و دوری از کذب، گاهی تبدیل و تغییر برخی الفاظ و عبارات زیارات مأثورہ، به لفظ و عبارتی که مناسب حال زائر یا مزور باشد، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

یکی از تبدیل‌هایی که در منابع حدیثی گزارش شده، تبدیل در عبارتی از زیارت جامعه کبیره است. شیخ صدوق به عنوان نخستین محدّثی که این زیارت را به ثبت رسانده، پس از عبارت «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» آورده است: اگر زیارت برای امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام بود، به جای «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ»، بگو «وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۵/۲؛ همو، ۱۳۷۸، ۲۷۶/۲).

اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا این تبدیل درست است و اگر تبدیل و تغییری صورت نگیرد، کلام برخلاف مقتضای حال مزور می‌شود و در نتیجه، برخلاف واقع

می‌گردد و کذب پیش می‌آید؟ یا این که عبارت هرگز به تبدیل نیاز ندارد و تبدیل و تغییر آن نادرست است؟

این نوشتار می‌کوشد پس از بررسی تبدیل عبارت «وَالْإِلَى جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» در مصادر و شرح‌های زیارت جامعه کبیره، درستی یا نادرستی این تبدیل را با توجه به سیاق زیارت جامعه کبیره ثابت کند و پرسش یاد شده را پاسخ دهد.

الف. نقل تبدیل در مصادر زیارت جامعه کبیره

کهن‌ترین مصدر زیارت جامعه کبیره، من لا يحضره الفقيه (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۷/۲-۶۰۹) و عیون أخبار الرضا (همو، ۱۳۷۸، ۲۷۸/۲-۲۷۲) است. شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق) در این دو اثر گرانسنگ آورده است که اگر زیارت مربوط به امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام است، باید «وَالْإِلَى جَدُّكُمْ» به «وَالْإِلَى أَخِيكَ» تبدیل شود (همو، ۱۴۱۳، ۶۱۵/۲؛ همو، ۱۳۷۸، ۲۷۶/۲). شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) زیارت جامعه کبیره را در تهذیب الأحکام، از طریق شیخ صدوق نقل کرده و همانند وی، تبدیل یاد شده را آورده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۹۹/۶). ابراهیم بن محمد جوینی (۶۴۴-۷۳۰ق) از عالمان اهل سنت نیز، این زیارت را در کتاب فرائد السمطين همراه با تبدیل، از طریق حاکم نیشابوری که به طریق شیخ صدوق منتهی می‌شود، گزارش کرده است (حموی جوینی، ۱۴۰۰، ۱۸۵/۲-۱۷۹).

زیارت جامعه در دیگر منابع حدیثی نیز، از طریق شیخ صدوق نقل شده و تبدیل یاد شده در آن‌ها آمده است (کفعمی، ۱۳۸۳، ۳۰۲؛ حلی، ۱۴۲۴، ۲۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۵۷۲/۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۲/۹۹؛ مجلسی، ۱۴۲۳، ۳۰۰؛ نوری، ۱۴۰۸، ۴۲۳/۱۰؛ قمی، ۱۳۹۱، ۱۰۴۵؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ۳۰۱/۱۲؛ مرعشی، ۱۴۱۸، ۸۸۴/۳۳؛ شاکری، حسین، ۱۴۱۹، ۱۵۰/۱۴؛ حسینی قزوینی و همکاران، ۱۴۲۴، ۲۸۲).

ابن مشهدی از علمای قرن ششم، زیارت جامعه کبیره را همچون دیگر محدثان از طریق شیخ صدوق نقل کرده، ولی عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُلْ وَالْإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» را از متن زیارت حذف کرده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹،

۵۳۲). این حذف می‌تواند دلیل باشد که وی، به این تبدیل اعتقادی نداشته و آن را نادرست می‌دانسته است.

بنابراین، تبدیل «وَالِیْ جَدُّکُمْ» به «وَالِیْ أَخِیکَ» در همهٔ مصادر زیارت جامعهٔ کبیره به جز «المزار الکبیر» آمده و ابن مشهدی، تنها کسی است که تبدیل را گزارش نکرده است. برخی حدیث‌پژوهان نیز، تصریح کرده‌اند که تبدیل در همهٔ مصادر، به جز مزار ابن مشهدی وارد شده است (مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۳۳).

ب. تبدیل در کلام شارحان زیارت جامعه

شرح‌های فراوانی بر زیارت جامعه نگاشته شده است (انصاری قمی، ۱۳۸۲، ۲۶۲-۲۵۰؛ اصغری نژاد، ۱۳۸۶، ۷۷-۷۵؛ نوری، ۱۳۹۶). در اکثر شرح‌هایی که نگارنده به آن‌ها مراجعه کرده، تبدیل «وَالِیْ جَدُّکُمْ» به «وَالِیْ أَخِیکَ» تأیید شده است (مجلسی، ۱۴۱۴، ۷۳۷/۸؛ همو، ۱۴۰۶، ۴۹۳/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۷۲/۹؛ شبّر، ۱۴۰۳، ۱۸۲؛ کربلایی، ۱۴۲۸، ۲۳۹/۵؛ مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۳۳؛ أحسانی، ۱۴۲۰، ۲۶۵/۳-۲۷۶؛ همدانی درودآبادی، ۱۳۷۸، ۴۶۹؛ همو، ۱۳۸۷، ۵۸۵؛ تحریری، ۱۳۸۹، ۳۰۰/۳؛ بحرینی، ۱۳۸۶، ۷۱۶-۷۱۵؛ رزمجو، ۱۳۹۲، ۲۰۳-۲۰۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ۳۶ و ۶۰۷؛ سجّادی، ۱۳۸۵، ۳۸۱؛ گویا، ۱۳۷۸، ۲۳۷؛ نظامی، ۱۳۷۸، ۲۴۰/۳-۲۳۹؛ نظری، ۱۳۹۰، ۴۷۷).

گروه اندکی از شارحان زیارت جامعه، تبدیل مذکور را از متن زیارت حذف کرده، شرحی دربارهٔ آن نیاورده و از درستی یا نادرستی آن سخن نگفته‌اند (هدائی، ۱۳۶۶، ۲۷۸؛ ضیاءآبادی، ۱۳۹۳، ۱۱۴/۳-۱۱۳؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۰، ۶۰۱/۲-۵۹۱). شاید این گروه اندک، تبدیل «وَالِیْ جَدُّکُمْ» به «وَالِیْ أَخِیکَ» را نادرست می‌دانسته‌اند که آن را از متن زیارت انداخته‌اند.

ج. تبدیل؛ پیشنهاد راوی یا دستور امام هادی علیه السلام

زیارت جامعهٔ کبیره از زبان گهربار امام هادی علیه السلام، در پاسخ به خواستهٔ یکی از شیعیان صادر شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۶۰۹/۲). آیا تبدیلی که در قریب به اتفاق مصادر زیارت جامعه وارد شده، کلام و سخن آن حضرت است یا راوی مثلاً شیخ

صدوق در ضمن نقل زیارت، پیشنهاد تبدیل داده است؟ به عبارت دیگر، آیا در متن زیارت جامعه، ادراج صورت گرفته و تبدیل، کلام راوی است یا این که ادراج صورت نگرفته و تبدیل، سخن امام علیه السلام است؟

برخی حدیث پژوهان بر این باورند که تبدیل، سخن امام هادی علیه السلام است نه کلام شیخ صدوق (مازندرانی، ۱۴۳۰، ۱۳۳). گروهی از شارحان زیارت جامعه، ذیل عبارت «وإِلَى أَخِيكَ» روایاتی آورده‌اند تا ثابت کنند حضرت علی علیه السلام أخ و برادر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است (احسانی، ۱۴۲۰، ۲۷۶؛ بحرینی، ۱۳۸۶، ۷۱۶-۷۱۵). می‌توان از شرح و تفسیر آنان برداشت کرد که نظرشان این است که تبدیل، کلام امام هادی علیه السلام است. گویا صاحب مزار کبیر و برخی شارحان زیارت، عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقُلْ وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» را کلام راوی می‌دانسته‌اند که آن را از متن زیارت حذف کرده و نیاورده‌اند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۳۲؛ هدائی، ۱۳۶۶، ۲۷۸؛ ضیاءآبادی، ۱۳۹۳، ۱۱۴/۳-۱۱۳؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۷۰، ۶۰۱/۲-۵۹۱).

قاعده این است که اگر شک در وقوع ادراج شود، اصل بر عدم ادراج است (دلبری، ۱۳۹۲، ۴۲) ولی همان گونه که خواهد آمد، تبدیل نادرست است و نمی‌تواند کلام امام علیه السلام باشد. بنابراین، در متن زیارت، ادراج صورت گرفته و به احتمال قوی، شیخ صدوق به اجتهاد و تشخیص خود پیشنهاد تبدیل داده و عالمان نیز تصریح کرده‌اند که شیوه شیخ صدوق بر این بوده که، بیان و توضیح خود را در متن روایت درج می‌کرده است (بهبهانی، ۱۴۲۴، ۳۸۳/۱).

د. نادرستی تبدیل در زیارت جامعه

برای درستی تبدیل، باید دو مطلب ثابت باشد که اگر یکی از آن دو ثابت نشود، تبدیل نادرست خواهد بود:

مطلب نخست: باید مخاطب در عبارت «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» تنها امام زیارت شونده باشد و از ضمیر جمع مخاطب «کُمْ» به صورت مجاز، مفرد مخاطب اراده شود. بدین سان که، زائر با این عبارت فقط امام مزور را قصد کند، ولی برای رعایت احترام به جای ضمیر مفرد، از ضمیر جمع استفاده کند. در این صورت، عبارت

بر حضرت علی علیه السلام منطبق نخواهد بود؛ لذا برای دوری از کذب، باید آن را به عبارتی تبدیل کرد که بر حضرت منطبق شود، مثلاً عبارت «وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» جایگزین شود. همان گونه که، اگر عبارت اصلی زیارت «وَإِلَى جَدِّكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» بود، یعنی به جای ضمیر «کُم» ضمیر «ک» وارد شده بود، برای زیارت حضرت علی علیه السلام باید به «وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» تبدیل می‌شد، ولی اگر مخاطب در عبارت مذکور، همه امامان معصوم علیهم السلام باشند و ضمیر «کُم» در معنی حقیقی خود استعمال شده باشد، تبدیل عبارت جایز نخواهد بود و نمی‌توان کلامی را که برای خطاب کردن دوازده نفر صادر شده، تغییر داد و به یک نفر منحصر کرد، به خصوص اگر مخاطب در سایر فرازاها، همه امامان معصوم علیهم السلام باشد.

مطلب دوم: برای رعایت احترام، می‌توان در زبان عربی به جای ضمیر مفرد مخاطب «ک»، از ضمیر جمع مخاطب «کُم» استفاده کرد، همان گونه که در زبان فارسی برای احترام، به جای ضمیر دوم شخص مفرد «تو»، ضمیر دوم شخص جمع «شما» به کار می‌رود (شریعت، ۱۳۶۴، ۱۲۷).

ظاهراً، مطلب دوم ثابت شده است و این شیوه بیانی در زبان عربی، همچون زبان فارسی رایج است. صاحب تفسیر مجمع البیان بر این باور است که عرب‌زبانان برای احترام، به جای لفظ مفرد، از لفظ جمع استفاده می‌کنند و این استعمال آن قدر مشهور است که نیاز به استدلال ندارد (طبرسی، ۱۴۰۶، ۴-۳/۳۲۶) و برخی قرآن‌پژوهان و مفسران اهل سنت نیز، همین دیدگاه را پذیرفته‌اند (زرکشی، بی‌تا، ۲/۳۳۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ۲/۳۰۲). صاحب التحریر و التنویر در این باره می‌گوید: «خطاب به صیغه جمع برای رعایت احترام، شیوه عرب‌زبانان است، ولی همیشه باید به صورت مذکر باشد، پس در خطاب یک زن به قصد احترام باید اَنْتُمْ گفت نه اَنْتَنْ (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۱۸/۱۰۰). ابوزید در ادب شاگرد نسبت به استادش می‌گوید: «نباید شاگرد استادش را به اسم تنها یا به ضمیر مفرد خطاب کند» (ابوزید، ۱۴۲۲، ۳۶-۳۵).

بنابراین، در زبان عربی می‌توان برای احترام، به جای ضمیر مخاطب «ک» از ضمیر جمع مخاطب «کُم» استفاده کرد؛ لذا اگر «کُم» در «عبارت» «وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» برای احترام به جای «ک» به کار رفته باشد و مخاطب، تنها امام

زیارت‌شونده باشد، باید برای زیارت حضرت علی علیه السلام تبدیل انجام شود.

بنابراین، مهم بررسی مطلب نخست است. باید دید آیا در عبارت مذکور امکان دارد که ضمیر جمع مخاطب، به صورت مجاز، به جای مفرد مخاطب به کار رفته باشد و زائر، تنها امام زیارت‌شونده را قصد کند؟

به نظر نگارنده، امکان ندارد و ادله‌ای دلالت می‌کند که ضمیر «کُم» در معنی حقیقی خود بکار رفته است:

یک. خطاب کردن شخص واحد با ضمیر جمع برای رعایت احترام، اگرچه در زبان عربی رایج است، ولی این شیوه بیانی در ادعیه و زیارات مأثوره، بلکه در احادیث و سنت، هرگز به کار نرفته است.

دو. بر فرض که خطاب کردن مفرد با ضمیر جمع، در ادعیه و زیارات وارد شده باشد، ولی استعمال ضمیر «کُم» در مفرد مخاطب، مجاز است و نیاز به قرینه صارفه دارد و در عبارت مذکور، چنین قرینه‌ای وجود ندارد و در صورت نبود قرینه، باید بر معنای حقیقی، یعنی جمع مذکر مخاطب حمل شود و همه امامان معصوم علیهم السلام قصد شوند.

سه. بر فرض که قرینه باشد و برای احترام به جای ضمیر مفرد مخاطب، ضمیر جمع مخاطب به کار رفته باشد و عبارت بر حضرت علی علیه السلام منطبق نباشد، باید «جَدَّکُم» به «أَخِیکُم» تبدیل شود تا با «مبدل منه» هماهنگ باشد.

چهار. اگر از ضمائر و الفاظ جمع به کار رفته در زیارت، شخص واحد قصد شود، عبارت «وَذُرِّیَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» از این فراز زیارت جامعه کبیره «السَّلَامُ عَلَیْ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَمَسَاكِنِ بَرَکَةِ اللَّهِ وَمَعَادِنِ حِکْمَةِ اللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَحَمَلَةِ کِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَائِ نَبِیِّ اللَّهِ وَذُرِّیَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَکَاتِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۰/۲) نیز به تبدیل نیاز دارد؛ زیرا وقتی زیارت جامعه برای حضرت علی علیه السلام خوانده شود و آن حضرت مقصود باشد، عبارت «وَذُرِّیَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» بر ایشان منطبق نخواهد بود. با این وجود، برای آن تبدیلی پیشنهاد نشده است. به عبارت دیگر، فرقی بین «السَّلَامُ عَلَیْ... ذُرِّیَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» و «وَإِلَیْ جَدَّکُم بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِینُ» نیست و عبارت دوم، همانند عبارت نخست به تبدیل نیاز ندارد.

سلام و درودهایی که در آغاز زیارت آمده، همراه با اوصافی که در پی آن وارده شده، به روشنی بر این مطلب گواهی می‌دهد. بنگرید:

زائر در ادامه زیارت، پس از شهادت دادن به یگانگی خداوند متعال و نبوت رسول اعظم ﷺ، به امامت امامان معصوم علیهم السلام این گونه گواهی می دهد:

ضمایر و الفاظ جمع به کار رفته در این فرازها، در معنی حقیقی خود استعمال شده‌اند و زائر با همهٔ امامان علیهم‌السلام سخن می‌گوید، لذا هرگز نمی‌توان آن‌ها را بر معنی مجازی حمل کرد و مخاطب را شخص واحد، یعنی صاحب مضجع و امام زیارت‌شونده بدانیم و بگوییم برای رعایت احترام، به صورت جمع آمده است.

«أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهَدَاهُ الْأَنْبَارِ وَحَبَّجَ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَحْتَمُ وَبِكُمْ يُنْزَلُ
الْعَيْثُ وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُفْسُ الْهَمُّ وَبِكُمْ يَكْشِفُ
الصَّغْرَ وَعِنْدَكُمْ مَا يُنْزَلُ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ آتَاكُمْ

اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لِسَرَفِكُمْ وَبَحَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَفَارَزَ الْفَائِزُونَ بَوْلَايَتِكُمْ».

ضمایر جمع مذکر مخاطب، که قبل و بعد از عبارت «وإلی جدّکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» آمده، در معنی حقیقی به کار رفته و همه امامان معصوم علیهم‌السلام مقصود می‌باشند. از باب وحدت سیاق، ضمیر «کم» در عبارت مذکور نیز باید در معنی حقیقی استعمال شده باشد و همه آن‌ها مقصود باشند. در این صورت، تبدیل آن جایز نیست؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، تبدیل زمانی درست است که از «کم»، شخص واحد و امام زیارت‌شونده قصد شود.

ه. چگونگی شمول «وإلی جدّکم» بر حضرت علی علیه‌السلام

با توجه به مطالب پیشین روشن شد که مخاطبِ «وإلی جدّکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» همه امامان معصوم علیهم‌السلام هستند و شامل حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌شود. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه عنوان «جدّکم»، بدون هیچ تبدیل و تغییری شامل آن حضرت می‌شود؟ با این که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم جد و پدر بزرگ وی نیست. به نظر نگارنده، در عبارت «وإلی جدّکم» اسلوب بلاغی تغلیب به کار رفته است و از باب تغلیب، شامل حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌شود و چنانچه زائر، زیارت جامعه را در حرم آن حضرت بخواند، نباید آن را به «وإلی أَخِيكَ» تبدیل کند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم جد یازده امام از امامان دوازده‌گانه است، لذا می‌شود از باب تغلیب، آن حضرت را جد امامان دوازده‌گانه دانست و خطاب به آن بزرگواران گفت: «وإلی جدّکم بُعثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ».

پیش از تطبیق قاعده تغلیب بر عبارت مورد بحث، آن را به صورت مختصر بیان می‌کنیم.

و. تغلیب و گونه‌های آن

تغلیب در لغت، مصدر باب تفعیل از ریشه «غلب» به معنای چیره گردانیدن است

چهارم. تغلیب اشهر بر غیر اشهر مانند ﴿قَالَ يَا آيَّتُ بُنْيَىٰ وَبَيْنَكَ بُعْدُ الْمَشْرِقَيْنِ﴾ (زخرف/۳۸)؛ گوید ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود. گوینده در این آیه، آرزو می کند که میان او و شیطان، فاصله ای به اندازه مسافت «مشرق» و «مغرب» باشد، پس مرادش از «مشرقین»، «(مشرق)» و «مغرب» است. ممکن است غلبه مشرق

بر مغرب به دو دلیل باشد: یک. مشرق مشهورتر است؛ دو. شرق امری وجودی و غرب امری عدمی است و مسلم است که وجود از عدم شریف‌تر است (رضایی، ۱۳۸۴، ۱۰۰).

پنجم. تغلیب اکثر بر اقل مانند ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا﴾ (اعراف/۸۸)؛ سران قومش که تکبر می‌ورزیدند، گفتند: ای شعیب، یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد یا به کیش ما برگردید. حضرت شعیب علیه السلام از باب تغلیب در «لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا» داخل شده است؛ زیرا وی هرگز در کیش و آئین آنان نبوده تا به سوی آن بازگردد (تفتازانی، بی‌تا، ۱۶۰-۱۵۹).

ششم. تغلیب جنس کثیر الأفراد بر غیر خود مانند ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (ص/۷۴-۷۳)؛ پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند مگر ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران شد. ابلیس جن است و از ملائک نیست، ولی خداوند متعال او را در این آیه شریفه، به خاطر تغلیب از جنس ملائک شمرده است (تفتازانی، بی‌تا، ۱۵۹؛ زرکشی، بی‌تا، ۳/۳۱۰). البته، در صورتی آیه شریفه از باب تغلیب است که استثنای در آن متصل باشد، ولی اگر استثنا را منقطع بدانیم، ملائکه در مصادیق حقیقی خود به کار رفته و شامل شیطان نمی‌شود تا از باب تغلیب باشد، اما اصل این است که استثنا متصل باشد نه منقطع (زرکشی، بی‌تا، ۳/۳۱۰).

ز. نوع تغلیب در «وإلی جدکم»

به نظر نگارنده، نوع تغلیب به کار رفته در عبارت «وإلی جدکم» از زیارت جامعه کبیره، تغلیب جنس کثیر الأفراد است. در این گونه تغلیب، دو عنوان داریم که افراد و مصادیق یکی از دیگری بیشتر است. عنوانی که افراد و مصادیق بیشتر دارد، غلبه داده می‌شود و بر افراد و مصادیق عنوان مغلوب نیز اطلاق می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جدّ یازده نفر از امامان معصوم علیهم السلام و أخ و برادر یک نفر از آنان است. عنوان جدّ، بر أخ غلبه داده می‌شود و از باب تغلیب، جدّ همه دوازده امام علیهم السلام به حساب می‌آید؛ لذا فراز «وإلی جدکم بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» شامل حضرت علی علیه السلام نیز می‌شود و به تبدیل نیاز ندارد.

اسلوب تغليب در زیارات مأثوره و سخنان امامان معصوم علیهم السلام، فراوان به کار رفته که به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

یکم. یکی از اوصافی که در زیارت جامعه برای امامان معصوم علیهم السلام آمده و زائر با این وصف آنان را خطاب می کند و درود می فرستد «ذُرِّيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ» است: «السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَمَسَاكِينِ بَرَكَهَةِ اللَّهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۰/۲).

روشن است که حضرت علی علیه السلام از ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله نیست، ولی این خطاب از باب تغلیب، شامل آن حضرت نیز می شود و تغلیب به کار رفته در این فراز نیز، از نوع تغلیب جنس کثیر الأفراد است. علامه مجلسی در شرح این عبارت از زیارت جامعه می گوید: «وذریه رسول الله صلی الله علیه و آله شمل أمير المؤمنين علیه السلام تغلیباً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۶/۹۹؛ همو، ۱۴۰۶، ۲۵۳/۹)؛ «ذریه رسول الله» از باب تغلیب شامل امیر مؤمنان می گردد. ای کاش علامه در عبارت «وإلی جدکم» نیز، همین سخن را می گفت و تبدیل نادرست «وإلی أخیک» را تأیید نمی کرد.

دوم. شیخ صدوق، زیارتنامه‌ای برای زیارت امام حسین علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. در این زیارتنامه وارد شده است: «... تُمْ أَنْتَ عَلِيًّا ابْنَهُ وَهُوَ عِنْدَ رَجُلَيْهِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ...» (صدوق، ۱۴۱۳، ۵۹۶/۲). در این زیارت مأثور، حضرت علی اصغر فرزند امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام معرفی شده است که، مجلسی اول آن را از باب تغلیب دانسته است. وی در ترجمه و توضیح این فراز زیارتنامه می‌گوید: «پس بیا به نزد علی اصغر که نزد پای حضرت مدفون است، و می‌گویی که سلام الهی بر تو باد ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، ای فرزند امیر المؤمنین علیه السلام، ای فرزند حسن و حسین علیه السلام، که عمو را بدر خوانده است تغلیباً، مثل حسنین» (مجلسی، ۱۴۱۴، ۶۱۷/۸).

سوم. سائل از حضرت علی علیه السلام می پرسد: این امت چند امام دارد؟ حضرت پاسخ می دهند: «إِنَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا هُدًى مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳۲/۱)؛ همانا این امت دوازده امام هدایتگر از نسل پیغمبرش دارد.

ظاهر این روایت نشان می‌دهد که همه امامان دوازده گانه از نسل پیامبرند، در حالی که نخستین امام از نسل وی نیست. علامه مجلسی برای تصحیح ظاهر این روایت، وجوهی بیان کرده که دومین وجه آن این گونه است: «الثانی: أن يكون قوله: «مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا» على المجاز و التغليب؛ فإنه لما كان أكثرهم من الذرية، أطلق على الجميع الذرية تغليباً (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۲۷/۶)؛ وجه دوم این است «مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا» مجاز و تغلب است؛ زیرا اکثر آنها ذریه هستند از باب تغلب بر همه ذریه اطلاق شده است.

چهارم. در حدیث نماز معراج وارد شده: «... ثُمَّ التَفَتَ فَإِذَا بِصُفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ فَقِيلَ يَا مُحَمَّدُ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّ السَّلَامَ وَالتَّحِيَّةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْبَرَكَاتِ أَنْتَ وَذُرِّيَّتُكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸۶/۳؛ صدوق، ۱۳۸۵، ۳۱۶/۲)؛ سپس نگریست، ناگهان صف‌هایی از ملائک، فرستادگان و پیغمبران دید، پس وحی رسید که یا محمد بر آنان درود فرست، پس گفت: السلام علیکم ورحمة الله و بركاته، سپس خداوند وحی کرد: به درستی، تو و ذریه‌ات، سلام، تحیت، رحمت و برکت هستید.

علامه محمد تقی مجلسی در شرح و توضیح این حدیث آورده است که مراد از «ذُرِّيَّتُكَ»، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و امامان معصوم (علیهم السلام) است و از باب تغلب، شامل حضرت علی (علیه السلام) می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۲۲/۲).

نتیجه‌گیری

تغییر و تبدیل الفاظ و عبارات زیارات مأثوره، گونه‌ای از تحریف است و روا نیست، ولی گاهی برای رعایت دستور زبان یا دوری از کذب، باید کلمه یا عبارتی از زیارتنامه، به کلمه یا عبارت دیگری که مناسب مقتضای حال زائر و مزور است، تغییر کند. به همین سبب، گاهی عالمان و محدثان برای برخی از فرازهای زیارتنامه‌های مأثوره، تبدیل‌هایی گزارش کرده‌اند، ولی تغییر و تبدیل عبارت «وَأِلَى جَدُّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از زیارت جامعه کبیره به «وَأِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» هنگام زیارت امیر مؤمنان (علیه السلام)، که در قریب به اتفاق منابع و مصادر زیارتنامه نقل شده، نادرست است.

عبارت «وَإِلَىٰ جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از باب تغلیب، شامل حضرت علی علیه السلام می‌شود و تغلیب به کار رفته در آن، از نوع تغلیب جنس کثیر الافراد است.

عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُلْ وَإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ» که در متن زیارت جامعه کبیره آمده، افزوده راوی است و ادراج در متن به حساب می‌آید.

ابن مشهدی در کتاب مزار کبیر با حذف عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُلْ وَإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ» از متن زیارت جامعه، آسیب ادراج را برطرف کرده و نشان داده که این تبدیل نادرست است.

پیشنهاد می‌شود در زیارتنامه‌هایی که برای حرم امامان معصوم علیهم السلام چاپ می‌شود، عبارت «وَإِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُلْ وَإِلَىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ» از متن زیارت جامعه کبیره حذف شود و معیار، کتاب مزار کبیر ابن مشهدی قرار گیرد و در پاورقی چاپ‌های جدید مصادر و منابع زیارت جامعه، به نادرستی این تبدیل اشاره شود.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن عاشور، محمد الطاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ.
۳. ابن عربشاه، ابراهیم بن محمد، (بی‌تا)، الأطول شرح تلخیص مفتاح العلوم، محقق: هندوی، عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف، دار المرتضویه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، مصحح: احمد فارس، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۶. ابن هشام، عبد الله بن یوسف، (بی‌تا)، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۷. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفكر.
۸. ابوزید، بکر بن عبد الله، (۱۴۲۲ق)، حلیة طالب العلم، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۹. احسانی، أحمد بن زین الدین، (۱۴۲۰ق)، شرح زیارة الجامعة الکبیره، بیروت، دارالمفید.
۱۰. اصغری نژاد، محمد، (۱۳۸۶ش)، زیارت جامعه در آیین پژوهش، فرهنگ کوثر، سال دهم، ش ۷۰.
۱۱. انصاری قمی، ناصرالدین، (۱۳۸۲ش)، کتابشناسی زیارت جامعه کبیره، علوم حدیث، سال هشتم، ش ۳۰.

۱۲. بحرینی، سیدمجتبی، (۱۳۸۶ ش)، جامعه در حرم (نگرشی بر زیارت جامعه کبیره)، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۱۳. بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶ ش)، جامع احادیث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۱۴. بهبهانی، محمد باقر، (۱۴۲۴ ق)، مصابیح الظلام، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
۱۵. تحریری، محمدباقر، (۱۳۸۹ ش)، جلوه‌های لاهوتی (شرحی بر زیارت جامعه کبیره)، قم، نشر حر و نشر سبحان.
۱۶. نفتازانی، مسعود بن عمر، (بی‌تا)، کتاب المطول و بهامشه حاشیه السید میرشریف، قم، مکتبه الداوری.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق)، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۸. حسینی قزوینی و همکاران، سید محمد، (۱۴۲۴ ق)، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، قم، مؤسسه ولی العصر علیه السلام للدراسات الإسلامیه.
۱۹. حلّی، حسن بن سلیمان، (۱۳۸۲ ش)، المحتضر، تحقیق: سید علی اشرف، بی‌جا، انتشارات المکتبه الحیدریه.
۲۰. حموی جونی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۰ ق)، فرائد السمطین، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی.
۲۱. دلبری، سیدعلی، (۱۳۹۲ ش)، ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دهم، ش ۱۹.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۳. رزمجو، حسین، (۱۳۹۲ ش)، جامعه کبیره دنیای آرمانی امامت در تشیع علوی، مشهد، انتشارات قاف.
۲۴. رضایی، غلامعباس، (۱۳۸۴ ش)، موارد خروج کلام از مقتضای ظاهر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۵۶، ش ۱۷۳.
۲۵. زرکشی، بدرالدین محمد، (بی‌تا)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، المکتبه العصریه.
۲۶. سجّادی، سیداحمد، (۱۳۸۵ ش)، پرچم داران سعادت (تدبر در زیارت جامعه کبیره)، تهران، بنیاد قرآن و عترت.
۲۷. سکاکی، یوسف بن ابی بکر، (بی‌تا)، مفتاح العلوم، محقق: هنداوی، عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۸. شاکری، حسین، (۱۴۱۹ ق)، موسوعة المصطفی والعتره علیهما السلام، قم، نشر الهادی.
۲۹. شیر، سیدعبدالله، (۱۴۰۳ ق)، الأنوار الالامعة فی شرح الزیارة الجامعة، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۰. شریعت، محمدجواد، (۱۳۶۴ ش)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات اساطیر.
۳۱. شیخ الاسلامی، محمدهادی، (۱۳۷۰ ش)، شرح زیارت جامعه کبیره، محقق: سیدمحمدجواد طبسی حائری، مشهد، انتشارات فدک.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۳۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ ق)، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری.

۳۴. ضیاء آبادی، سید محمد، (۱۳۹۳ ش)، جبل متین شناخت ارکان دین، تهران، انتشارات بنیاد خیریه الزهراء علیه السلام.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعه.
۳۸. قمی، عباس، (۱۳۹۱ ش)، کلیات مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات پیام عدالت.
۳۹. کربلایی، جواد، (۱۴۲۸ ق)، الأنوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعه، تحقیق: محسن اسدی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۰. کفعمی، ابراهیم، (۱۳۸۳ ش)، البلد الأمين والدرع الحصین، تهران، مكتبة الصدوق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۲. گویا، عبد العلی، (۱۳۷۸ ش)، علی علیه السلام و زیارت جامعه کبیره، تهران، انتشارات زواره.
۴۳. مازندرانی، عبد الرسول، (۱۴۳۰ ق)، شرح زیارة العاشوراء، تحقیق: سید حسن موسوی درازی، قم، دار الصدیقة الشهيدة علیه السلام.
۴۴. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۱۴ ق)، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسة اسماعیلیان.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۶. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۶ ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۲۳ ق)، زاد المعاد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷ ش)، تفسیر قرآن ناطق یا شرح زیارت جامعه کبیره، تهران، نشر مشعر.
۵۱. مرعشی، سید شهاب الدین، (۱۴۱۸ ق)، شرح إحقاق الحق، تحقیق: سید محمود مرعشی، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۵۲. مشهدی، محمد بن جعفر، (۱۴۱۹ ق)، مزارکبیر، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۵۳. نظامی، علی، (۱۳۷۸ ش)، سیمای ائمه علیه السلام در شرح زیارت جامعه کبیره، قم انتشارات فرایض.
۵۴. نظری، علی، (۱۳۹۰ ش)، انوار الالهیه (شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره)، اصفهان، کانون پژوهش.
۵۵. نوری، حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۵۶. نوری، عباس، (۱۳۹۶ ش)، کتابشناسی ترجمه ها، شروح و پژوهش های مربوط به زیارت جامعه کبیره، <http://www.manuscripts.ir/fa/component/content/article?id=2523>
۵۷. هاشمی، احمد، (۱۴۱۸ ق)، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والذیع، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.

۵۸. هدائی، ابوتراب، (۱۳۶۶ ش)، نجوم لامعه شرح زیارت جامعه، مشهد، چاپخانه خراسان.
۵۹. همدانی درودآبادی، سیدحسین، (۱۳۷۸ ق)، الشمس الطالعة فی شرح الزيارة الجامعة، تهران، مطبعة المصطفوی.
۶۰. همدانی درودآبادی، سیدحسین، (۱۳۸۷ ش)، الشمس الطالعة فی شرح الزيارة الجامعة، مترجم: محمدحسین نائیجی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی